

آثار روابط روسیه و اسرائیل بر منافع ملی ایران (۲۰۲۰-۱۹۹۰)

جواد شفقت نیاآباد^۱

علی اکبر جعفری^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴

۷۱



DOI: 10.22124/wjwp.2022.18155.2674

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰، پیاپی ۷۸ (صفحات: ۴۰-۴۸)

چکیده

سطح مناسبات دیپلماتیک روسیه و اسرائیل در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در چند دهه اخیر روابط دو بازیگر را به سمت راهبردی شدن سوق داده است. نقش اسرائیل در سیاست‌گذاری آمریکا در قبال مسکو و قدرت فرامنطقه‌ای روسیه در تضمین امنیت اسرائیل در تحولات غرب آسیا، بر نزدیکی مسکو-تل‌آویو توسعه بخشیده است. از سوی دیگر ایران و روسیه در تحولات منطقه و بین‌الملل به سطحی از همسویی در رفتار و اهداف رسیده‌اند که با مداخله روسیه در بحران سوریه همکاری دو کشور افزایش یافته است. با در نظر گرفتن ملاحظات این پرسش مطرح می‌شود روابط روسیه و اسرائیل چگونه بر منافع ملی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل تأثیر گذاشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش در پژوهش حاضر مورد آزمون قرار گرفته این است که توسعه روابط روسیه و اسرائیل و وابستگی متقابل منافع در سطوح مختلف باعث شده است تا روسیه در پیشبرد منافع ایران در مسئله سوریه، برنامه هسته‌ای و توافق‌نامه‌های تسلیحاتی و اقتصادی محدودیت‌هایی را ایجاد کند. روش پژوهش در این مقاله تبیینی است و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اینترنتی است و برمبنای رویکرد موازنه‌قوا داده‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، اسرائیل، برنامه هسته‌ای، خاورمیانه

مقدمه

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. دانشیار رشته روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

*. نویسنده مسئول: A.jafari@umz.ac.ir

پیوندهای عمیق تاریخی روسیه و اسرائیل در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، روابط دو بازیگر را به سمت راهبردی شدن سوق داده است. روسیه یکی از مهم‌ترین کشورهای است که در تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ نقش فعالی داشته است. تحولات عربی در خاورمیانه و تحریم‌های آمریکا علیه مسکو، افق‌های جدیدی در روابط روسیه و اسرائیل گشود. از یک سو تضمین امنیت اسرائیل در تحولات منطقه و بین‌الملل توسط روسیه و از سویی دیگر نقش کاتالیزوری اسرائیل در حل و فصل اختلافات آمریکا با روسیه، زمینه‌ای را فراهم کرد که دو بازیگر همدیگر را به‌عنوان یک دوست مهم و تأثیرگذار در دستیابی به منافع خود تلقی کنند. به‌طوری‌که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، روسیه و اسرائیل به سطح بالایی از همگرایی در مناسبات دیپلماتیک و همپوشانی در منافع رسیده‌اند. اسرائیل براین امر واقف است که دستیابی به هژمونی منطقه و توازن با بازیگران منطقه‌ای، نیاز به توسعه روابط با روسیه دارد. نقش اسرائیل در روند سیاست‌گذاری آمریکا در قبال مسکو و جایگاه مهم لابی‌های یهود در سازمان‌های بین‌المللی فرصتی را برای روسیه فراهم کرد که ضمن کاهش تحریم‌های خود، بتواند از طریق اسرائیل منافع و امنیت خود را در منطقه و تحولات بین‌الملل تضمین کند. به‌طوری‌که اسرائیل با رعایت ملاحظات امنیتی روسیه در تحولات خاورمیانه و قفقاز، آن را در جهت اهداف استراتژیکی‌اش سوق داده است. این در حالی است که روسیه و ایران با ایجاد چارچوب مشخصی از تعامل، اهداف و منافع خود را در توسعه روابط با یکدیگر جستجو کرده‌اند. تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و ایران و قرار گرفتن در یک جبهه در تحولات منطقه، تحولی در روابط دو بازیگر ایجاد کرده است. روسیه به دنبال آن است که از طریق ایران بتواند امتیازاتی را در تحولات منطقه و بین‌الملل از آمریکا و اتحادیه اروپا دست یابد. از طرفی دیگر ایران برای تقویت نفوذ و قدرت منطقه‌ای خود به توسعه روابط دیپلماتیک با روسیه نیاز دارد. بنابراین موقعیت روسیه در مدیریت - کنندگان جهانی، ایران را به گسترش همکاری با روسیه واداشته است. برنامه تسلیحاتی و هسته‌ای ایران و قدرت و نفوذ این کشور در تحولات منطقه به یک عامل تهدید امنیت اسرائیل تبدیل شده است. پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و تقویت و نفوذ جایگاه ایران در سوریه، روابط روسیه با این دو بازیگر را تحت‌الشعاع قرار داده است. به‌طوری‌که

تهدیدات اسرائیل از سوی ایران در حوزه‌های مختلف، این تصور را در مقامات اسرائیل به وجود آورد که آمریکا نمی‌تواند به‌طور کامل منافع تل‌آویو را تضمین کند. از این رو اسرائیل در برابر مقابله با تهدیدات و قدرت ایران، روسیه را مورد توجه قرار داده است. از طرف دیگر با افزایش قدرت و نفوذ ایران، روسیه نگران به حاشیه رفتن جایگاهش در منطقه و بین‌الملل است. لذا به نظر می‌رسد همکاری و توسعه روابط اسرائیل با روسیه در جهت محدود و محاصره کردن منافع ملی ایران است بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که روابط روسیه و اسرائیل در طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ چگونه بر منافع ملی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل تأثیر گذاشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش در مقاله حاضر مورد آزمون قرار گرفته، این است که توسعه روابط روسیه و اسرائیل و وابستگی متقابل منافع در سطوح مختلف باعث شده است تا روسیه در پیشبرد منافع ملی ایران در مسئله سوریه، برنامه هسته‌ای و توافق‌نامه‌های نظامی و اقتصادی محدودیت‌هایی را ایجاد کند. روش تحقیق در این مقاله تبیینی است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اینترنتی است که از طریق مراجعه به آرشیو مراکز علمی و همچنین شبکه جهانی اینترنت انجام شده است.

هدف اصلی پژوهش، روابط روسیه و اسرائیل و تأثیر آن بر منافع ملی ایران در مسئله سوریه، برنامه هسته‌ای ایران و توافق‌نامه‌های نظامی و اقتصادی است. بررسی توسعه روابط روسیه و اسرائیل در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از اهداف ثانویه پژوهش است. استفاده تلفیقی از نظریه‌های موازنه قوای نواقح‌گرایی در تجزیه و تحلیل پژوهش از نوآوری مقاله است.

با وجود اهمیت نظری و کاربردی الگوی رفتاری موازنه‌قوا در مطالعات سیاست و روابط بین‌الملل، پژوهش حاضر با تجزیه و تحلیل داده‌های علمی به بررسی روابط روسیه و اسرائیل و منافع ملی ایران در چارچوب نظریه موازنه قوا پرداخته است. از طرف دیگر توسعه روابط روسیه با دشمن جمهوری اسلامی ایران یعنی اسرائیل، به ضرورت انجام پژوهش افزوده است که پژوهشگران را نسبت به تأثیر این روابط بر منافع ملی ایران حساس‌تر کند.

۱. ادبیات پژوهش

پژوهش‌های متعددی به زبان انگلیسی و فارسی در رابطه با موضوع پژوهش به رشته تحریر درآمده است. ولی تمرکز کامل خود را بر موضوع روابط روسیه و اسرائیل و تأثیر آن بر منافع ملی ایران نگذاشته است. از جمله آثاری که در ارتباط با پژوهش هستند؛ جبارناصر سیاست خارجی روسیه در قبال ایران و اسرائیل مورد بررسی قرار داده است. وی با ترسیم روند صعودی همکاری روسیه و اسرائیل در منطقه و نظام بین‌الملل، به بیان تنش‌ها و اختلافات در روابط دو بازیگر می‌پردازد. وی بر این نکته تأکید دارد که روابط روسیه و اسرائیل چالش‌هایی را برای منافع ملی ایران و جبهه مقاومت به وجود آورده است (Джаббаринасир, 2020). آوریوخ و کلاین ضمن بررسی مناسبات عالی دیپلماتیک و توافق‌نامه‌های جدید اقتصادی، نظامی و سیاسی مسکو- تل‌آویو، به روابط روسیه با جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل در بحران سوریه می‌پردازد. پژوهندگان بر این موضوع اشاره می‌کنند که مسکو در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل یک راهبرد دوسویه را در پیش گرفته است (Averbukh & Klein, 2018). کولایی (۱۳۸۳) به بررسی علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. وی بر آن است که وضعیت و جایگاه یهودیان در روسیه را قبل و بعد از انقلاب و روابط اتحاد جماهیر شوروی و اسرائیل از بدو شکل - گیری رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی و توسعه روابط روسیه و اسرائیل بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی و ارزیابی کند. تأکید وی بر آن است که اسرائیل در تلاش است با گسترش روابط خود با روسیه، مسکو را از نزدیکی به تهران بر حذر دارد. رومی (۱۳۹۶) به درک چگونگی گسترش روابط روسیه و رژیم صهیونیستی از سطح عادی به سوی راهبردی شدن در دوران ریاست جمهوری پوتین می‌پردازد. وی با رویکرد کارکردگرایانه ضمن بررسی روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی در دوره ریاست جمهوری پوتین، به بحران‌ها و روندهای بین‌المللی و تأثیر آن‌ها بر تعمیق روابط روسیه و رژیم صهیونیستی و جایگاه ایران در معادلات سیاسی این دو بازیگر می‌پردازد. شعرباف و جرس (۱۳۹۸) به بررسی تغییر روابط روسیه و اسرائیل در دوران پوتین و تأثیر ایران بر این روابط می‌پردازد. نگارندگان بر این امر تأکید دارند که روسیه و اسرائیل

در سال‌های اخیر با تغییر رویکرد و تحت‌تأثیر شرایط بین‌المللی روابط گسترده‌ای در ابعاد مختلف تجربه کرده‌اند.

بررسی ادبیات نشان می‌دهد که کار پژوهشی قابل توجهی در رابطه با روابط روسیه و اسرائیل و تأثیر آن بر منافع ملی ایران انجام نگرفته است. آثار موجود به‌طور عمده صرفاً به توسعه روابط روسیه و اسرائیل اشاره کرده و هیچ‌یک از آنها بر تأثیر این روابط بر منافع ملی ایران در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار نداده‌اند. چنانچه اگر هم اشاراتی داشته‌اند به‌طور جامع در قالب یک کار پژوهشی مستقل مورد تحلیل قرار نداده‌اند. بنابراین تا آنجا که به مساله اصلی پژوهش حاضر مربوط می‌شود، یک نوع شکاف دانشی در این مورد وجود دارد. به‌طور کلی پژوهش حاضر تفاوت‌های مهمی با آثار گذشته دارد: نخست این که صرفاً به روابط روسیه و اسرائیل اکتفا نکرده و منافع ملی ایران متأثر از این روابط را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است. دوم این که پژوهش کنونی نگاه تک بعدی نداشته بلکه سعی کرده است مهم‌ترین ابعاد منافع ملی ایران را بطور جامع و در چارچوب نظریه موازنه قوا مورد تبیین قرار دهد؛ کاری که تاکنون در هیچ یک از آثار داخلی و خارجی انجام نگرفته است.

۲. چارچوب نظری: نظریه موازنه قوا^۱ نواقح‌گرایی

لازمه پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌ها، انعکاس پشتوانه نظری در مقاله است. بر همین مبنا از نظریه موازنه قوا در مکتب نواقح‌گرایی برای تبیین و تحلیل این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. نواقح‌گرایی تأکید ویژه‌ای بر رهیافت موازنه قوا در رویکرد دولت‌ها دارند. این امر ناشی از توجه بیش از حد این نظریه پردازان به اهمیت قدرت و امنیت است. ناتوانی قدرت‌های بزرگ در موازنه سازی علیه آمریکا در دوران پساجنگ سرد، چالش‌هایی را برای نظریه موازنه قوا ایجاد کرد. در این میان نظریه پردازان نواقح‌گرا از جمله کنت والتز^۲، جان میرشایمر^۳ و استفان والت^۴ با ارائه نظریات جدید موازنه قوا سازگار با نظام بین‌الملل درصدد حل این چالش‌ها بودند (سیمبر و

1. Balance of Power
2. Kenneth Waltz
3. John Mearsheimer
4. Stephen Walt

صالحیان، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۶). این نظریه پردازان به بررسی و ارزیابی موضوع رقابت بازیگران برای امنیت و قدرت در سطح منطقه و بین‌الملل پرداختند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۴). از دید والتز دو اصل برای تشکیل توازن قوا لازم است یکی ساختار نظام بین‌الملل آنارشیک^۱ باشد و دیگری بقا و امنیت اولویت اصلی دولت‌ها باشد (sheehan, 2005: 78). نظام آنارشیک باعث محدودیت در همکاری‌ها و توافق‌نامه‌های تسلیحاتی و صلاحیت‌های سازمان‌های بین‌المللی می‌شود. لذا دولت ترس از وابستگی در همکاری‌ها و توافق‌نامه‌ها با احتیاط عمل می‌کند (Griffiths, 1992: 82).

والتز معتقد است دولت‌ها به منظور دفع قدرت در برابر قدرت‌های توسعه طلب، به رویکرد موازنه قوا روی می‌آورند (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۷: ۱۰۴). والتز بر این امر تأکید دارد که توازن قوا باعث کنترل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای می‌شود. او علت اصلی شکل‌گیری توازن قوا را رقابت قدرت‌ها در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند (والتز، ۱۳۸۲: ۸۷). از دید والتز، امنیت‌جویی از اهداف اصلی دولت‌ها است و قدرت هم لازمه رسیدن به امنیت است. اگر در شرایطی امنیت دولت‌ها، مورد تهدید واقع شود، تا حدودی از قدرت‌طلبی خود می‌کاهند.

بر این اساس دولت‌ها در مواجهه با قدرت هژمون طلب با تشکیل ائتلاف در برابر آن به موازنه‌سازی روی می‌آورند (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۲۴). لذا راهبرد دولت‌ها در مقابل رقبای بالقوه خود که به دنبال افزایش قدرت هستند، موازنه‌سازی است (Waltz, 1979: 126). از طرفی والتز عقیده دارد این امکان وجود دارد حفظ و ایجاد رویکرد توازن قوا، انگیزه یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها باشد. لذا توازن در نظام بین‌الملل گرایش به ایجاد شدن دارد (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۷: ۱۰۵). از نظر وی، نظام تک قطبی به دو دلیل تداوم زیادی در نظام بین‌الملل نخواهد داشت. نخست اینکه به دلیل وظایف متعدد در ورای مرزهای خود، موجب کاهش قدرت آن‌ها در طولانی مدت می‌شود و دوم اینکه دولت‌های ضعیف نسبت به رفتار دولت‌های قدرتمند احساس خطر می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۶۷). از اینرو والتز معتقد است که ایجاد توازن مجدد در نظام بین‌الملل پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی امکان‌پذیر است.

1. Anarchic

استفان والت با تأکید بر مفروضات نواقح گرایستی استنادش والتز، بر اهمیت موازنه تهدید تأکید دارد از نظر او دولت‌ها در برابر تهدیدات دست به موازنه می‌زنند نه صرفاً افزایش قدرت. به عبارتی دیگر بر اهمیت موازنه تهدید به جای موازنه قوا تأکید دارد (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹). دولت‌ها در برابر قدرت تهدیدگر به رویکرد موازنه روی می‌آورند یعنی دولت‌ها برای بقا و امنیت خود در مقابل قدرت‌های متجاوز، به سیاست توازن دست می‌زنند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۴۸). از این رو تصورات و برداشت دولت‌ها از دولت دیگر به‌عنوان تهدید در نظام بین‌الملل حائز اهمیت است؛ دولت‌ها با هنجارسازی رویکرد موازنه، منجر به توسعه بقا و امنیت در نظام بین‌الملل می‌شوند از اینرو با تشکیل ائتلاف در برابر متجاوز تهدیدگر به بازداشتن آن می‌پردازند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۵). والت قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تجاوزکارانه را چهار عامل ایجادکننده تهدید می‌داند (فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۶۹-۷۰).

اگرچه والت و والتز به استراتژی موازنه توجه کمتری داشته‌اند اما جان میرشایمر با تأکید بر رفتار موازنه و موازنه‌سازی به‌عنوان رویکرد رفتاری تعریف متفاوتی از موازنه قوا ارائه داده‌اند (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۳). از نظر او آنارشیک بودن نظام بین‌الملل، انگیزه دولت‌ها را برای قدرت طلبی افزایش می‌دهد. لذا دولت‌ها با اتخاذ رویکرد تهاجمی با انگیزه قدرت طلبی، زمینه آسیب دیگر دولت‌ها را فراهم می‌کنند. از نظر وی افزایش منافع و قدرت لازم بقا و امنیت در نظام بین‌الملل است. به نظر میرشایمر توانمندی‌های تهاجمی، عدم مشخص بودن نیت دشمن و محیط آنارشیک بین‌الملل دلایل اصلی قدرت طلبی دولت‌ها است (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۲). دولت‌ها برای بقا و امنیت خود، دستیابی به هژمونی منطقه و جهان را اولویت سیاست خارجی خود قرار داده‌اند در غیر اینصورت دولت‌ها در برابر تهدیدات، توانمندی‌های نظامی و سرمایه خود را به حداکثر می‌رسانند. قدرت‌ها درصدد آن هستند از توسعه طلبی دیگر دولت‌ها جلوگیری کنند لذا می‌کوشند برای غلبه بر این تهدید طرف ناشی را اغوا کنند یا خودشان در برابر تهدید دست به توازن بزنند (گریفتس، ۱۳۹۱: ۶۰-۶۲).

به عقیده میرشایمر قدرت جهانی در نظام بین‌الملل امکان‌پذیر نمی‌باشد و از اینرو اولویت سیاست خارجی دولت‌ها دستیابی به مناطق حساس و راهبردی است. دستیابی به این مناطق، زمینه هژمونی در مناطق دیگر را میسر می‌کند و در همین راستا، مهم‌ترین راهکار در برابر قدرت‌طلبی دولت‌ها، موازنه منطقه‌ای است. از نظر وی زمانی که فشارهای سیستمیک منطقه‌ای برای جلوگیری از ظهور هژمون منطقه‌ای ناتوان باشد. نقش قدرت‌های توازن بخش فرامنطقه‌ای اهمیت پیدا می‌کند (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۶-۲۳۷). قدرت‌های بزرگ با توزیع مطلوب توانمندی‌ها و منابع و کنترل حوادث و محیط، نقش مهمی در موازنه منطقه‌ای ایفا می‌کنند (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

در یک نگاه کلی در عین کارآمدن نظریه‌های نواقح‌گرایی موازنه قوا در شرایط فعلی، توان توضیح و تبیین کاملی از الگوهای رفتاری در نظام بین‌الملل را دارا نمی‌باشند. دولت‌ها در نظام بین‌الملل تنوعی از الگوهای رفتاری نظیر سیاست همراهی و منازعه را برای ایجاد موازنه قدرت اتخاذ می‌کنند. لذا هم‌زمان رهیافت نواقح‌گرایی تدافعی استفان والت و تهاجمی جان میرشایمر مورد توجه تحلیل‌گران و بازیگران است. بر این اساس در این مقاله سعی شده است از تلفیق نظریه‌های اندیشمندان موازنه قوا نواقح‌گرا همچون والتز، جان میرشایمر و والت برای تبیین پژوهش استفاده شود.

بنابراین می‌توان بیان داشت، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و تحولات خاورمیانه روسیه، ایران و اسرائیل را به موازنه‌سازی در برابر تهدیدات و قدرت دیگران واداشته است. اگر بنا را بر فهم روابط از منظر والتز و والت در نظر بگیریم. برنامه هسته‌ای و تسلیحاتی ایران و نفوذ آن در منطقه موجبات بیم و تهدید را برای اسرائیل بوجود آورده است. از این رو اسرائیل به‌منظور موازنه‌سازی در برابر تهدیدات ایران، روسیه را مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر تهدیدات ناشی از حضور آمریکا و متحدان راهبردی‌اش در خاورمیانه و قفقاز برای روسیه و ایران، باعث قرار گرفتن این دو بازیگر در یک ائتلاف و محور به جهت موازنه‌سازی در برابر محور آمریکا و غرب شده است. همچنین در قالب منطق فکری میرشایمر، ساختارهای قدرت منطقه‌ای اهمیت داشته و از اینرو رفتار منطقه‌ای این سه بازیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. در همین رابطه رقابت ایران و اسرائیل برای دستیابی به هژمونی منطقه، زمینه سیاست

موازنه سازی از سوی روسیه را تاکنون فراهم آورده تا مانع از ظهور هژمون منطقه‌ای این دو بازیگر شود. اهمیت موازنه قوا و توازن سازی در منطقه به حدی است که هر زمان توازن منطقه تغییر می‌کند زمینه برای بوجود آمدن جنگ و منازعه فراهم می‌شود. اما واقعیت این است که رویکرد روسیه برای توازن قدرت در خاورمیانه، چالش‌هایی را برای پیشبرد منافع ملی ایران ایجاد کرده و منجر شده است تا ایران در جهت دستیابی به اهداف خود با دشواری‌هایی مواجه گردد.

۳. روابط شبه استراتژیک روسیه و اسرائیل

نقش مهم اتحاد جماهیر شوروی در تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ نقطه عطف نزدیکی مسکو و تل‌آویو بوده است. علت آن را می‌توان از نقش قابل توجه یهودیان روسی در پیروزی اتحاد جماهیر شوروی علیه نازی‌ها جستجو کرد که لازمه حمایت دیپلماتیک از تأسیس اسرائیل را فراهم کرد (Бочаров, 2013: 25). مهاجرت یهودیان روس تبار به اسرائیل یکی از متغیرهای تأثیرگذار در نزدیکی دو بازیگر است به طوری که ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اسرائیل را تحت تأثیر قرار داد. دوسوم از مهاجران یهودی روس تبار از افراد تحصیل کرده روسیه بوده‌اند (Федорченко, 2016: 248). بر همین مبنا است که در ادارات اسرائیل زبان روسی استفاده و در مدارس اسرائیل نیز زبان روسی به عنوان زبان سوم تدریس می‌شود (Moshkava, 2018: 387-388). همچنین بیش از ۱۵۰ کانال رادیویی و تلویزیونی به زبان روسی در اسرائیل مشغول به فعالیت هستند (Бочаров, 2013: 27). در حال حاضر جمعیت ۱۵ درصدی روس تبار اسرائیل حق تعیین سرنوشت ۲۰ کرسی از ۱۲۰ کرسی مجلس کنست^۱ را دارند. مهاجرت یهودیان روسی زمینه احاطه الیگارشی^۲ را بر ساختار سیاسی و مدیریتی اسرائیل فراهم کرده است. بطوری که ریشه خانوادگی بسیاری از نخست‌وزیران و مقامات اسرائیلی تا به امروز در حوزه سرزمینی اتحاد جماهیر شوروی قرار داشته و باعث نگرش مثبت آن‌ها به همکاری با روسیه شده است (Эпштейн & Сулейманов, 2008: 88). بدون تردید

1. Knesset
2. Oligarchy



نگرش مثبت روسای جمهور روسیه از اسرائیل به‌عنوان بازیگری با ساختار جمعیتی و فرهنگی مشابه، زمینه‌گرایش نزدیکی را در افراد اصلی تصمیم‌گیرنده مسکو به‌وجود آورد. به‌طوری که پوتین در سال ۲۰۰۵ در مرکز فرهنگی تل‌آویو، اسرائیل را به‌عنوان یک قطعه کوچکی از خاک روسیه معرفی کرد (رومی، ۱۳۹۶: ۴۶).

تعاملات فرهنگی و اجتماعی روسیه و اسرائیل زمینه‌تعمیق روابط سیاسی و اقتصادی را فراهم کرده است. در سال‌های اخیر تبادل استاد و دانشجو و همکاری‌های دانشگاهی بطور قابل توجهی گسترش یافته است (Риановости, 2019). دیدار پوتین از مراسم هولوکاست^۱ و جانبازان یهود روسی در جنگ جهانی دوم، نمایانگر تأکید بر روابط فرهنگی و تاریخی بوده است. پوتین از زمان تصدی ریاست جمهوری، خود را به‌عنوان محافظ امنیت یهود در روسیه و کل اروپا معرفی کرده است (Averbukh&klein, 2018: 2).

سازمان‌های یهود روسی از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، تأثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی مسکو در قبال اسرائیل داشته‌اند. کنگره یهودیان روسیه^۲، کنگره سازمان‌ها و جوامع یهودی در روسیه^۳، فدراسیون جوامع یهودی روسیه^۴ (Екатерина, 2003: 19) مرکز جامع یهودیان مسکو^۵، خانه جامعه یهودی مسکو، مرکز فرهنگی یهود^۶ و غیره توانسته‌اند با انسجام درونی، سیاست خارجی روسیه برای چند دهه تحت کنترل خود قرار بدهند (Елишев, 2013: 174). بطوری که هر یک از این سازمان‌ها از شبکه‌ای از مؤسسات و سازمان‌ها و نهادهایی تشکیل شده‌اند. این سازمان‌ها به دلیل حمایت از دولت پوتین، از نفوذ زیادی در روسیه برخوردار هستند. با کمک این سازمان‌های بزرگ یهودی بسیاری از مجلات و روزنامه‌های یهودی نظیر رودنیک و آلف در روسیه منتشر می‌شود (Джаббаринасир, 2020: 51). لذا این سازمان‌ها توانسته‌اند در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی روسیه نفوذ کنند و با لابی‌گری در توسعه روابط روسیه با اسرائیل نقش مهمی را ایفا کنند. احزاب روسی در اسرائیل، یکی از عوامل

1. Holocaust
2. Russian Jewish Congress
3. Congress of Jewish Organizations and Communities in Russia
4. Federation Of Russian Jewish Communities
5. Moscow Comprehensive Jewish Center
6. Jewish Cultural Center

تأثیرگذار در گسترش روابط اجتماعی روسیه و اسرائیل است. به طوری که نتانیاهاو در سال ۲۰۰۹ از چهار وزیر روس تبار برای کابینه خود استفاده کرد. آویگدور لیبرمن، رهبر حزب خانه‌ها و حامی منافع روس زبان‌های اسرائیل به عنوان وزیر امور خارجه انتخاب شد (رومی، ۱۳۹۶: ۴).

همکاری‌های اقتصادی، تجاری یکی از عوامل تأثیرگذار در نزدیکی راهبردی دو بازیگر بوده است. توسعه همکاری‌های اقتصادی روسیه و اسرائیل در ابتدا با تجارت شروع شد. بسته موافقت‌نامه تجاری دو بازیگر در سال ۱۹۹۴ گامی مهم در تقویت مناسبات در این حوزه بود (Averbukh&klein, 2018: 2). در سال‌های ابتدایی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وجود یهودیان روس تبار در ساختار اقتصادی دو بازیگر، زمینه ادغام بازارهای دو طرف را فراهم کرد (Бочаров, 2013: 25).

در طول دهه ۱۹۹۰ توافقات و همکاری‌های گسترده‌ای میان روسیه و اسرائیل صورت گرفت. همکاری در زمینه ارتباطات پستی و برق (۱۹۹۵)، ماهواره‌ای و مخابراتی (۱۹۹۶)، گمرک (۱۹۹۷) و مبارزه با جرایم (۱۹۹۷) از جمله این موارد بوده است (Kazan, 2004: 221). با اکتشافات اخیر میادین نفتی در سواحل مدیترانه و عدم تجربه کافی اسرائیل در استخراج آن، زمینه‌ای را فراهم کرد که روسیه در راستای استراتژی دیپلماسی انرژی خود به توسعه همکاری در حوزه اکتشاف و استخراج بپردازد. همچنین توافق‌نامه‌هایی در خصوص اکتشاف فضا بین مسکو - تل‌آویو بسته شده است (Марьясис, 2017: 131). در سال‌های اخیر پروژه‌های مشترک نظیر ساخت تونل، کارخانه گیاهان دارویی، نانو و فناوری‌های ارتباطات تأثیر مهمی در توسعه مناسبات داشته است (Tass, 2016). ابعاد گوناگون همکاری‌های اقتصادی و تجاری سبب گردیده روسیه و اسرائیل با علاقه و حساسیت روابط خود را گسترش دهند.

همکاری در صنایع دفاعی نقش مهمی در گسترش روابط دو بازیگر داشته است بطوری که از سال ۲۰۰۴ روسیه و اسرائیل در زمینه ساخت هواپیماهای جنگی و هلی-کوپتر به تولید محصولات مشترک پرداخته‌اند (شریعتی‌نیا و میرعمادی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). در سال ۲۰۱۹ شرکت اسرائیلی تولید کننده ربات‌های نظامی به نام جنرال رباتیک به ساخت چنین ربات‌هایی در روسیه کرده است (اسپوتنیک، ۲۰۱۹).

تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط مسکو و تل‌آویو را به هماهنگی و همگرایی سیاسی بیشتر سوق داده است. به‌طوری‌که نگرانی‌های مشترک دو بازیگر درخصوص تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی زمینه توسعه روابط آنها را فراهم آورده است. در همین راستا در سال ۲۰۰۴ نیروهای امنیتی اسرائیل، به آموزش مخفیانه نیروهای ضدترور روسیه پرداختند و مانورهای مشترک درخصوص مبارزه با تروریسم به اجرا گذاشتند (رومی، ۱۳۹۶: ۵۳). روسیه در سال ۲۰۰۵ کارشناسان خود را به اسرائیل فرستاد تا شبیه دیوار حائل غزه در اطراف کرانه غربی، در مرزهای چچن استفاده کند (Razoux, 2008: 5). همچنین در بحران گرجستان و اوکراین، اسرائیل با رعایت خطوط قرمز روسیه، از فروش اسلحه و تجهیزات نظامی به این دولت‌ها خودداری کرد (Djabbarinasir, 2020: 52). سطح مناسبات عالی دیپلماتیک دو طرف در قضیه بحران سوریه به این نزدیکی توسعه بخشیده است. در مجموع، می‌توان بیان کرد که جایگاه و قدرت نقش‌آفرینی روسیه و اسرائیل در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی یکدیگر، تأثیر قابل توجهی در تقویت مناسبات دو بازیگر داشته است. لذا توسعه روابط با اسرائیل، تابعی از منافع ژئواستراتژیک روسیه در خاورمیانه بوده است. در این راستا از یک سو اسرائیل با همکاری با روسیه در صدد موازنه سازی با تهدیدات بازیگران منطقه است بویژه اینکه بعد از خروج آمریکا از سوریه، روابط آن‌ها گسترش یافته است و از سویی دیگر روسیه با رعایت ملاحظات امنیتی اسرائیل، درصدد افزایش موقعیت و نفوذ خود در نظام بین‌الملل است.

۴. روابط روسیه و اسرائیل و منافع ملی ایران در سوریه

با وقوع بحران سوریه، اسرائیل درصدد تضعیف ایران و کناره‌گیری بشار اسد از قدرت بود. با مداخله نظامی مسکو در سوریه و تقویت نفوذ ایران، مواضع اسرائیل شروع به تغییر کرد. اسرائیل درصدد آن بود که از طریق روسیه مانعی برای ایران در سوریه ایجاد کند (Бармин, 2018: 4). قبل از مداخله نظامی مسکو در سوریه، توافقاتی میان فرماندهان و سران مسکو و تل‌آویو در سپتامبر ۲۰۱۵ صورت گرفت تا اسرائیل در عملیات‌های نظامی خود علیه ایران در خاک سوریه قدرت مانور زیادی داشته باشد.

این توافق در حالی صورت گرفت که همکاری اسرائیل و روسیه در جنگ‌های نظامی تا قبل از وقوع بحران سوریه سابقه تاریخی نداشته است (رومی، ۱۳۹۶: ۵۹). بطوری که در جریان بحران سوریه نتانیاهو بارها در خصوص نفوذ سیاسی و نظامی ایران با پوتین ملاقات کرده است تا بتواند منافع و امنیت خود را در منطقه تضمین کند. این همکاری در حالی است که ایران و روسیه در خصوص مبارزه با گروه‌های تکفیری در سوریه و تثبیت حکومت بشار اسد و مقابله نفوذ غرب در خاورمیانه به همکاری و هماهنگی سیاسی نظامی با یکدیگر پرداختند (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۷: ۸۰-۸۱). با افزایش نفوذ سیاسی و نظامی ایران به تدریج مواضع اسرائیل تغییر کرد. اسرائیل توانست مسکو را به محدود کردن سیاست‌های ایران در سوریه وادارد. به گونه‌ای که روسیه تا حدی از مواضع ایران فاصله گرفت و محدودیت‌هایی را برای منافع ملی ایران در سوریه ایجاد کرد که سطور ذیل به تحلیل آن‌ها خواهیم پرداخت؛

۴-۱. حضور نیروهای ایرانی در سوریه

با کاهش تدریجی نیروهای آمریکایی در سوریه، نگرانی‌هایی برای اسرائیل در خصوص تقویت نفوذ ایران به وجود آورد. این در حالی است که حضور نیروهای ایرانی در منطقه جولان سوریه، منجر به افزایش تنش‌ها میان اسرائیل و ایران شده است. روسیه نگران است که ایران تصمیم گیرنده نهایی در سوریه باشد لذا تضعیف حضور نیروهای سیاسی و نظامی ایران در دستور کار سیاست خارجی روسیه قرار گرفت. در همین راستا روسیه توانست حضور نیروهای نظامی ایرانی در شعاع ۸۵ کیلومتری از مرز فلسطین اشغالی تضمین کند (Бармин, 2018: 4). روسیه نیز با انجام اصلاحات نظامی و ایجاد ارتش حرفه‌ای تحت کنترل دولت به دنبال کاهش نفوذ ایران در ارتش سوریه است. روسیه در تلاش است با ایجاد ساختار و تشکیلاتی طرفدار روسیه، نفوذ خود را در ستاد کل نیروهای مسلح سوریه افزایش بدهد (تابناک، ۱۳۹۷). همچنین در سال‌های اخیر روسیه با محدود کردن مانورهای مشترک نظامی خود با ایران در سوریه به دنبال کاهش نفوذ و نقش این کشور در منطقه می‌باشد. علی‌رغم اقدامات محدودیت‌زای روسیه، این کشور بنا به دلایل سیاسی و نظامی توانایی اخراج کامل نیروهای ایران را ندارد. در واقع مبارزه

با نفوذ غرب و مقابله با افراط‌گرایی اسلامی در سوریه، دو عامل مهمی هستند که تداوم همکاری‌های روسیه و ایران را تضمین می‌کند. لذا کرملین بر این امر واقف است که ایجاد ثبات و امنیت در سوریه بدون توجه بر جایگاه و موقعیت ایران امکان‌پذیر نیست.

۲-۴. تأسیس پایگاه و مراکز نظامی

مقامات اسرائیل بارها در طی دیدارهایی که با رهبران روسیه داشتند با استقرار کامل پایگاه‌های نظامی ایران در سوریه مخالفت نمودند و درصدد آن بودند که از طریق روسیه بتوانند موانعی برای تثبیت پایگاه‌های نظامی ایران ایجاد کنند. در همین رابطه روسیه ضمن تضمین حضور پایگاه‌های نظامی ایران در فاصله ۸۵ کیلومتری از مرز فلسطین اشغالی، از ایجاد پایگاه دریایی ایران در طرطوس ممانعت بعمل آورد (Barmin, 2018: 4). دایر شدن پایگاه‌های نظامی در سوریه توسط ایران، نگرانی‌هایی را برای اسرائیل بوجود آورد. از اینرو حمله پیش‌دستانه به پایگاه‌های نظامی وابسته به ایران در دستور کار مقامات اسرائیلی قرار گرفت (رستمی و پورلقمان، ۱۳۹۸: ۷۷).

حملات ۷ سپتامبر ۲۰۱۷ به پایگاه‌های نظامی و مراکز پژوهش‌های علمی و نظامی به‌ویژه پایگاه آموزش نیروهای حزب‌الله، انتقال پیام نارضایتی به روسیه در خصوص تثبیت پایگاه‌های نظامی ایران بوده است (Murciano, 2017: 8). همچنین ضمن توافقی که بین پوتین و نتانیاهو در حاشیه کنفرانس تغییرات آب و هوایی در پاریس صورت گرفت، جنگنده‌های اسرائیل طی حملات مکرر، پایگاه‌های نظامی و مراکز آموزشی ایران را مورد حمله قرار دادند. این در حالی است که حفاظت از حریم هوایی دمشق به عهده سامانه‌های دفاع ضد‌هوایی و رادارهای روسی است (رومی، ۱۳۹۶: ۶۰).

یکی دیگر از اقدامات روسیه در جهت محدود کردن پایگاه‌های نظامی ایران در مناطق سوریه، افزایش پایگاه‌های نظامی خود است. روسیه در بندر طرطوس، پایگاه دریایی و در غرب سوریه پایگاه هوایی حمیمیم را دارد و اخیراً ارتش روسیه در مناطق پالمیرا، رقه، الشعیرات و قمیشلی اجازه دایر کردن پایگاه‌های نظامی را بدست آورد (تخشید و شجاع، ۱۳۹۸: ۳۲۰). از اینرو روسیه درصدد آن است با افزایش پایگاه‌های نظامی خود در سوریه ضمن محدود کردن پایگاه‌های نظامی ایران، امنیت اسرائیل

را تضمین کند و از طرف دیگر بتواند وابستگی دولت سوریه به پایگاه‌های نظامی ایران را کاهش دهد. علی‌رغم اقدامات روس‌ها، به دلیل اینکه حضور ایران به درخواست رسمی دولت سوریه بوده است، لذا مسکو اهرم‌های سیاسی کمی برای محدود کردن کامل پایگاه‌های نظامی و مراکز آموزش ایران در سوریه دارد. اما تا زمانی که این پایگاه‌ها منافع کشورش و اسرائیل را تهدید نمی‌کند، مانع از حضور آنها نخواهد شد.

۳-۴. محدودیت در روند آستانه

مذاکرات صلح آستانه زمانی شکل گرفت که ترکیه و مخالفین اسد برای دستیابی به آتش‌بس به مذاکرات با روسیه پرداختند. توافق که به دنبال آتش‌بس و یافتن راه حل سیاسی بین موافقین و مخالفین نظام بشار اسد بود. این روند مدیریت روسیه را در ساختار سیاسی سوریه افزایش خواهد داد و به مراتب باعث کاهش نقش ایران در آینده سوریه می‌شد. چون که روسیه به دنبال شریک شدن اعراب سنی در قدرت سوریه بوده است تا بتواند ضمن جلوگیری از قدرت گرفتن محور شیعی ایران، رضایت عربستان، ترکیه و اسرائیل را به دست آورد. (احمدی و درآینده، ۱۳۹۷: ۸۹).

در این راستا روسیه تلاش‌های زیادی را برای تشکیل کمیته قانون اساسی انجام داده است. کمیته‌ای که علاوه بر حامیان دولت، مخالفین بشار اسد نیز مشارکت داده شده است. از سویی دیگر روسیه در کنار روند آستانه هم به هماهنگی با آمریکا و اسرائیل و مذاکره با عربستان می‌پردازد و هم در نشست ژنو شرکت می‌کند. این نشانگر آن است که روسیه به دنبال حداکثر موقعیت خود در سوریه است. اسرائیلی‌ها بارها در این مذاکرات به پایان دادن حمایت روسیه از ایران در روند آستانه تأکید داشتند (Вахшитех, 2019: 284).

اسرائیل نیز مایل به حضور ایران در همکاری منطقه‌ای به‌ویژه مذاکرات صلح سوریه نیست. اسرائیل بر این امر واقف است که اهداف و اولویت‌های ایران در مذاکرات صلح به نفع امنیت و موجودیت اسرائیل نیست. لذا عدم حضور ایران در اجلاس چهارجانبه استانبول در سال ۲۰۱۸ تلاشی از سوی اسرائیل و چراغ مثبت روسیه بوده است (Мирван, 2011: 107).



با وجود اختلافات و اشتراکات در روند آستانه شاهد افزایش نقش روسیه در مدیریت ساختار سیاسی و اقتصادی هستیم. روند آستانه نشان داد روسیه به عنوان بازیگر اصلی و تعیین کننده در نظام اسد است. به طوری که موقعیت ایران در روند آستانه به دلیل توافقات اسرائیلی - روسی و روسی - آمریکایی رو به تضعیف نهاده است. با توجه به طولانی بودن روند مذاکره آستانه دستیابی به راه حل مشترک سخت می باشد. روسیه، ایران را در مذاکرات صلح سوریه در حاشیه نگه داشته است تا بتواند از اسرائیل و غرب امتیازاتی بگیرد و از طرف دیگر در صورت عدم تحقق منافع خود، وضعیت ایران به عنوان ضامن آتش بس ارتقا می دهد.

۴-۴. فعالیت های اقتصادی در سوریه

دستیابی به بنادر حوزه مدیترانه از گذشته تاکنون بسیار حائز اهمیت بوده و ایران برای دستیابی به آن در تلاش است تا پنجره های مختص خود، رو به اروپا باز کند. در این خصوص مسکو به دو دلیل موانعی برای ایران ایجاد کرد. نخست، فشار اسرائیل مبنی بر اینکه ایران به دنبال ایجاد پایگاه دریایی است، دوم، ایران به عنوان رقیب انرژی روسیه در بازار اروپا تبدیل خواهد شد (مارژتسکی، ۱۳۹۸). ایران همیشه تمایل خود را برای افزایش سهم نفت و گاز خود به بازار اروپا بارها نشان داده است. از طرفی دیگر آمریکا برنامه هایی برای تأمین نفت و گازهای شیل به اروپا به میزان ۸۰ میلیارد متر مکعب تا سال ۲۰۲۰ را دارد (Жильцов, 2016: 637). از اینرو دستیابی ایران به بنادر سوریه منافع روسیه به عنوان بازیگر اصلی تأمین کننده انرژی اروپا به خطر می اندازد. روسیه ضمن عدم تحقق ایجاد بندر نفت و گاز ایران در طرطوس، بر حملات اسرائیل بر بندر ایران در لاذقیه ممانعتی ایجاد نکرده است (مبید، ۱۳۹۸). در واقع روسیه بنادر سوریه را بخشی از امنیت خود و اسرائیل می داند. از اینرو با محدودیت برای حضور ایران، تا حدودی نگرانی های اسرائیل را کاهش داده است. این احتمال وجود دارد که علی رغم نگرانی اسرائیل، روسیه با تحت فشار قرار دادن بشار اسد، از راه اندازی خط ریلی ایران، عراق و سوریه جلوگیری به عمل آورد. در سال های اخیر گزارشاتی از سوی خبرگزاری ها مبنی بر رقابت ایران و روسیه بر سر دستیابی به بنادر بایناس انتشار شده است.

همچنین بین دو کشور ایران و روسیه بر سر دستیابی به چاه‌های نفت و گاز، معادن، فسفات و مخبرات و ارتباطات رقابت وجود دارد (Matreer, 2019) اما روابط راهبردی روسیه و اسرائیل موانعی را تاکنون برای حضور ایران در بازسازی و سرمایه‌گذاری در سوریه ایجاد کرده است. همراهی روسیه با تحریم‌های آمریکا، تأثیرات منفی بر سرمایه‌گذاری ایران در سوریه گذاشته است. بطوری که ایران در سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی و کشاورزی کمتر موفق بوده و پروژه‌های مهم و سودآور به شرکت‌های روسیه واگذار شده است (Hatahet, 2019: 11-20). روسیه و سوریه نیز با ایجاد کنسرسیومی، اختیار عمل در بازسازی را به روسیه واگذار کردند بطوری که ایران در فرایند بازسازی نیاز به مذاکره روس‌ها را دارد (رومی، ۱۳۹۶: ۶۵). بطوری که در شورای توسعه روابط اقتصادی سوریه که با هدف مشارکت در بازسازی و سرمایه‌گذاری که توسط تاجران و فعالان تجاری و بازرگانی تشکیل شده است، روسیه ۱۰۱ عضو و ایران ۱۲ عضو دارد که این نشان دهنده نقش ناچیز ایران در سرمایه‌گذاری و بازسازی سوریه است (وفایی فرد و طالبی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). در این راستا در ۲۰ آوریل ۲۰۱۹ توافق‌نامه‌ای میان یوری بوریسوف معاون نخست وزیر روسیه و بشار اسد در خصوص بازسازی اقتصاد و سرمایه‌گذاری در سوریه بسته شد. طبق این توافق بندر طرطوس به مدت ۴۹ سال برای استفاده اقتصادی توسط بازرگان روس مورد استفاده قرار خواهد گرفت (ممدوف، ۱۳۹۸).

روسیه همچنین در صدد بهبود روابط سوریه و عربستان سعودی است تا بتواند سوریه را به دامان اتحادیه عرب بازگرداند. از طرف دیگر با شریک کردن کشورهای عربی در احیا و بازسازی اقتصاد سوریه، توان بازی سازی ایران را کاهش دهد. بازگشایی سفارت‌خانه‌های بحرین و امارات متحده در سوریه فرصتی را به روسیه داد که گام‌هایی در جهت این راهبرد بردارد. در یک نگاه کلی می‌توان بیان داشت با توجه به فشار قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر دولت دمشق و تهران، مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی سوریه تا حدود زیادی تعدیل شده است؛ به گونه‌ای که تمام قراردادهایی که تاکنون برای بازسازی صورت گرفته، هنوز عملیاتی نشده است.

۵. برنامه هسته‌ای ایران در سایه روابط روسیه و اسرائیل

پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و افزایش نقش و قدرت منطقه‌ای ایران به یک عامل تهدید برای موجودیت اسرائیل تبدیل شده است. در همین راستا مقامات اسرائیل در تلاش هستند تا مانع برنامه هسته‌ای ایران شوند. اسرائیل نگران است که ایران از طریق گسترش فعالیت‌های هسته‌ای به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد. لذا اسرائیل بارها تلاش کرده است که در مجامع بین‌المللی به کشورها نشان دهد که ایران به دنبال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است. در این خصوص روابط شبه استراتژیک اسرائیل و روسیه حائز اهمیت است. روسیه به عنوان عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل و همکار هسته‌ای ایران، می‌تواند نقش مهمی در معادلات بین‌المللی در قبال برنامه هسته‌ای ایران ایفا کند. اسرائیل از طریق لابی‌های یهود در روسیه و تحت‌الشعاع قرار دادن روابط خود با مسکو، تأثیر زیادی بر سیاست خارجی روسیه در این زمینه داشته است. لذا از یک سو لابی‌های یهود در روسیه با استفاده از ابزارهای گوناگونی که در داخل سیاست خارجی روسیه دارند، در تلاش هستند تا سیاست‌های روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران را با منافع اسرائیل همسو سازند و از سوی دیگر با انجام رایزنی‌های مستمر با مقامات روسیه مانع از تحقق برنامه هسته‌ای ایران شوند. این در حالی است روسیه شریک اقتصادی و سیاسی ایران در زمینه انرژی هسته‌ای است. از اینرو مناسبات گسترده مسکو با اسرائیل و نقش این بازیگر در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه، سبب شده که مسکو در راستای منافع و اهداف خود و همچنین تضمین امنیت اسرائیل محدودیت‌هایی را در خصوص برنامه هسته‌ای ایران ایفا کند که در سطور ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۵-۱. موافقت روسیه با قطعنامه‌های شورای امنیت

روسیه در چند سال گذشته با ابزارهای دیپلماتیک، سعی در جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران کرده است. در عین حال روسیه حق مالکیت و استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای توسط ایران را به رسمیت می‌شناسد. از طرف دیگر روسیه از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل حمایت و برنامه هسته‌ای ایران را تحریم کرده است (Трушин, 2019: 11). مهم‌ترین آن‌ها، قطعنامه ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۳۵، ۱۸۰۳، ۱۹۲۹ و

۲۰۲۱ بوده است که موانعی برای ایران در زمینه غنی سازی اورانیوم، تحقیق و توسعه، تحریم و مسدود اموال افراد، بانک‌ها و شرکت‌های مرتبط با فناوری هسته‌ای ایران، تأسیسات جدید غنی سازی و واردات فناوری‌ها و تجهیزات هسته‌ای بوجود آورده است (مختاری، ۱۳۹۴: ۱۶۰-۱۶۱).

روسیه از سال ۲۰۰۶ با رأی مثبت در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای امنیت سازمان ملل نقش مهمی در محدودیت پرونده هسته‌ای ایران ایفا کرده است. به طوری که اسرائیل در تمام این قطعنامه به رایزنی‌های مستمر با روسیه پرداخته است. روسیه با رأی مثبت در این قطعنامه توانسته بود از یک سو ضمن گرفتن امتیازات ویژه از اسرائیل و آمریکا، جایگاه ابر قدرت خود را تقویت کند و از طرفی دیگر نگرانی‌های خود و متحدان منطقه‌ایش به ویژه عربستان و اسرائیل را بکاهد.

۲-۵. تعلیق ساخت نیروگاه اتمی

در ژانویه ۱۹۹۵، قراردادی به منظور تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر با ظرفیت ۱۰۰۰ مگاوات بین روسیه و ایران بسته شد (Чекушкин, 2006: 67). قراردادی که تا پایان سال ۲۰۰۳ روسیه متعهد شده بود که نیروگاه اتمی را به ایران تحویل بدهد. با تشدید تبلیغات علیه ایران توسط اسرائیل و متحدان غربی آن و گزارش‌هایی در خصوص پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، همکاری هسته‌ای روسیه و ایران دچار چالش شد. بطوری که روسیه به قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران، رأی مثبت داد. لذا فشارهای آمریکا و اسرائیل و نگرانی‌هایی در خصوص افزایش قدرت ایران، موجب گشت تا ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر به تعویق بیفتد (کولایی و زرگری، ۱۳۹۷: ۴۰-۳۹). در دوره پوتین به دلیل حل و فصل اختلافات با آمریکا، شاهد تعویق تحویل این پروژه هستیم. با روی کار آمدن دیمتری مدودف به ریاست جمهوری، روابط روسیه و آمریکا به دلیل گرایش‌های غرب گرایانه‌اش بهبود یافت. به طوری که در دوره مدودف، روابط روسیه با اسرائیل به طور چشمگیری افزایش یافته بود. افشای سایت فردو و غنی سازی و بازفرآوری اورانیوم ۲۰ درصد، نگرانی‌هایی را برای مدودف بوجود آورد، بطوری که در سال ۲۰۰۹ روسیه اعلام کرد تا سال آینده امکان تحویل نیروگاه هسته‌ای



بوشهر وجود ندارد (رومی و نوروزی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). بنابراین در سال‌های ریاست جمهوری مدودف، نیروگاه اتمی بوشهر برای بهره‌برداری به ایران تحویل داده نشد. مقامات اسرائیل با رایزنی‌هایی که با رهبران روسیه داشتند نقش مهمی در تعویق نیروگاه هسته‌ای بوشهر داشتند. با وقوع توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ و پایبندی همه اعضای شورای امنیت به برجام، نگرانی روسیه نسبت به برنامه اتمی ایران کاسته شد. در آوریل ۲۰۱۶، بلوک اول نیروگاه اتمی بوشهر برای بهره‌برداری و اتصال به شبکه برق به ایران تحویل داده شد از اینرو پروژه ساخت نیروگاه اتمی بوشهر با پرونده هسته‌ای ایران پیوند خورده است لذا تا زمانی که پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت مطرح باشد، چالش‌هایی را برای ساخت و تحویل نیروگاه بوجود می‌آورد.

۳-۵. عدم انتقال تجهیزات و فناوری‌های هسته‌ای

با آغاز همکاری هسته‌ای روسیه با ایران، اسرائیل و متحدان راهبردی‌اش به‌ویژه آمریکا، با فشارهای دیپلماتیک بر روسیه درصدد کار شکنی در انتقال تجهیزات و فناوری‌های هسته‌ای هستند. با رایزنی‌های مستمر اسرائیل، توافق‌نامه گورچرنومردین بین آمریکا و روسیه صورت گرفت. این توافق‌نامه آغاز ممانعت از فروش و انتقال تجهیزات و فناوری‌های هسته‌ای به ایران است (Ибрагимов, 2019: 900). از این رو اسرائیل و متحدان راهبردی‌اش با انعقاد قرارداد در پی عدم دستیابی ایران به دانش و تجهیزات فناوری هسته‌ای بودند. چنانکه خودداری روسیه از صادرات سانترفیوژ به ایران، یکی از مفاد این توافق‌نامه بوده است (بی‌نام، ۱۳۸۰: ۲۴۰) با افزایش توان موشکی ایران، آمریکا و اسرائیل به دلیل نگرانی از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، با فشارهای دیپلماتیک نظیر تحریم علیه شرکت و سازمان‌های روسی مرتبط با فعالیت هسته‌ای، مانع از انتقال فناوری هسته‌ای به ایران شوند. بطوری در اواخر دهه ۱۹۹۰، یلسین به دلیل فشارهای آمریکا، فروش فناوری‌های دوگانه را به ایران لغو کرد (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۷۵).

در اجلاس G8 اوکیناوا در ژوئیه ۲۰۰۰، رئیس جمهور آمریکا کلینتون از پوتین درخواست کرد که عرضه تجهیزات لیزر به ایران را متوقف کند زیرا آمریکا نگران بود که این تجهیزات در فعالیت‌های هسته‌ای سبب دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای شود. لذا روسیه لیزرهای کم اهمیت را به ایران ارسال کرد (Orlov & others, 2002: 128) همچنین در دوره پوتین، روسیه با عدم فروش ساترفیوژ گازی به ایران، از آمریکا امتیازات مالی گرفت (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۷).

با روی کار آمدن مدودف به ریاست جمهوری روسیه و بهبود روابط روسیه با آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران به مراتب انتقال فناوری‌های هسته‌ای بطور قابل توجهی محدود شد. با تصویب قطعنامه ۱۹۲۹، روسیه انتقال تجهیزات نظامی و هسته‌ای به ایران را منع کرد (رومی و نوروزی، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

از زمان روی کار آمدن مجدد پوتین به ریاست جمهوری در روسیه تاکنون روابط روسیه و ایران فراز و فرودهایی داشته اما پوتین در راستای منافع ژئواستراتژیک خود به همکاری هسته‌ای با ایران پرداخته است. همچنین باید در نظر گرفت که تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت، نقش مهمی در عدم انتقال و دانش فناوری‌های هسته‌ای به ایران داشته است به طوری که روسیه بعد از توافق برجام در عین همکاری هسته‌ای با ایران، ملاحظات غرب و خود را در نظر گرفت. اسرائیل نیز از طریق لابی‌های خود در روسیه، در تلاش است تا با فشارهای دیپلماتیک و تبلیغات، روسیه را در راستای اهداف خود در خصوص برنامه هسته‌ای ایران همسو کند تا از این طریق بتواند مانع از انتقال فناوری‌های حساس هسته‌ای شود.

۶. روابط روسیه - اسرائیل و دشواری‌های نظامی، اقتصادی ایران

ایران بعد از انقلاب اسلامی، روسیه را بهترین گزینه برای بازسازی توان نظامی و دفاعی خود می‌داند این در حالی است که افزایش قدرت نظامی و اقتصادی ایران، تأثیرات مهمی بر توازن قدرت در منطقه خاورمیانه دارد. توسعه برنامه‌های نظامی و اقتصادی ایران، موجبات قدرت و نفوذ ایران در منطقه را فراهم می‌کند. روسیه در راستای اهداف ژئواستراتژیک خود نگران افزایش قدرت ایران است از طرفی قدرت اقتصادی ایران



منافع روسیه را در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به‌ویژه در حوزه نفت و گاز و ترانزیت کالا مورد تهدید قرار می‌دهد از طرفی دیگر قدرت بالای نظامی ایران به موازات تقویت محور مقاومت، باعث به حاشیه رفتن جایگاه روسیه در خاورمیانه می‌شود. با پیشرفت برنامه تسلیحاتی، اسرائیل تلاش کرده است که با همکاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای، قدرت ایران را تضعیف کند. اسرائیل بر این امر واقف است توسعه اقتصادی ایران، پیشرفت برنامه تسلیحاتی اش گسترش می‌دهد لذا اسرائیل با همکاری و رایزنی با مقامات روسیه توانست دستگاه دیپلماسی مسکو را به محدود کردن فعالیت‌های نظامی و اقتصادی ایران وادارد که ضمن فاصله گرفتن از همکاری با ایران، محدودیت و دست‌اندازی‌هایی را برای این بازیگر ایجاد کند که در سطور ذیل به تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

۱-۶. دشواری‌های نظامی

۱-۱-۶. دوران ریاست جمهوری یلسین

روسیه در سال‌های ابتدایی فروپاشی، برای بازسازی اقتصاد کشور، نیاز به صادرات تسلیحات نظامی به کشورهای جهان سوم به‌ویژه ایران داشت. تقویت روابط نظامی ایران و روسیه، واکنش بسیار منفی آمریکا و اسرائیل را موجب شد. تحت فشار اسرائیل و متحدان راهبردی‌اش بویژه آمریکا، توافق‌نامه گور-چرنومردین بین آمریکا و روسیه امضاء شد. بر اساس آن مسکو متعهد شد که قرارداد جدیدی برای تأمین سلاح‌های متعارف ایران منعقد نکند. همچنین قراردادهای منعقد شده قبلی را تا پایان سال ۱۹۹۹ به پایان برساند. آمریکا نیز مزایای زیادی از جمله وام از صندوق بین‌المللی پول و سایر مؤسسات بین‌المللی پول به مسکو بدهد (Хетагуров, 2018).

کارشناسان روسی ضرر این توافق را حدود چهار تا پنج میلیارد دلار برآورد کردند. طبق این توافق مسکو نتوانست سفارش‌های تسلیحاتی ایران نظیر هواپیماهای میگ ۲۹، سوخو ۲۴، زیردریایی دیزلی برقی، سامانه دفاعی موشکی اس ۲۰۰، تانک‌های T-72 و نفربرهای BMP را تأمین کند. در سال ۱۹۹۷ طرح‌های توسط روسیه به منظور دور

زدن این توافق تهیه و تصویب شد. ولی به دلیل فشارهای آمریکا و اسرائیل بی نتیجه ماند (Козюлин, 2001).

دوران یلسین، ایران بارها تمایل خود را برای برقراری دوباره همکاری‌های نظامی و فنی به روسیه نشان دادند. به‌ویژه در سال ۱۹۹۸ تهران رسماً خواستار خرید سامانه‌های دفاعی 10001qrmanpads و s200pmu1 هلی‌کوپتر نظامی، هواپیماهای جنگی su-25، موشک‌های ضد هوایی، ایستگاه‌ها راداری و سایر تجهیزات نظامی به ارزش دو میلیارد دلار شد. با این حال توافق‌نامه گور-چرنومردین، مانع از ارسال و خرید این تجهیزات شد (ЦАМТО, 2016). همچنین طبق این توافق، پشتیبانی فنی از تجهیزات نظامی نظیر هواپیماهای جنگی بایکوت شد (عزتی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۱). اسرائیل سعی کرد از طریق لابی‌های یهود روسی در روسیه و مهره آمریکا بتواند بر مسکو فشار وارد کند. از طرف دیگر اسرائیل با میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات بین روسیه و آمریکا، توانست مسکو را در جهت منع فروش تسلیحات نظامی ترغیب کند. اسرائیل اوضاع نابسامان اقتصادی روسیه را بهترین فرصت برای نزدیکی آمریکا و روسیه استفاده کرد تا بتواند مانع از انتقال تسلیحات نظامی به ایران شود لذا آمریکا با دادن امتیازات مالی توانست روابط نظامی و فنی روسیه با ایران را بایکوت کند.

۲-۱-۶. دوران ریاست جمهوری دیمتری مدودف

با روی کار آمدن دیمتری مدودف به ریاست جمهوری روسیه، روابط ایران و روسیه رو به سردی گرایید. مدودف درصدد آن بود که روابط روسیه و آمریکا بهبود یابد لذا برای این امر، نیاز به توسعه روابط با اسرائیل و دادن امتیاز ویژه به این بازیگر داشت. بطوری که مناسبات دیپلماتیک روسیه و اسرائیل در این دوره گسترش یافت (Трушин, 2019).
(11. در این راستا، شدیدترین تحریم‌ها (قطعنامه‌های ۱۸۸۷ و ۱۹۲۹) علیه ایران در دوره مدودف صورت گرفت (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۷۷).

مدودف در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ فرمانی را درخصوص اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت به تصویب رساند که در این فرمان ممنوعیت استفاده از خاک روسیه برای جابه‌جایی حمل و نقل سلاح و صادرات مستقیم سلاح از خاک فدراسیون روسیه به ایران

پیش‌بینی شده بود. فرمان رئیس جمهور روسیه کاملاً با بند ۸ قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت مطابقت داشت که فروش هفت دسته تسلیحات نظامی به ایران بر اساس طبقه - بندی سازمان ملل ممنوع شده بود (ЦАМТО, 2016).

لابی‌های یهود در روسیه و فشارهای دیپلماتیک اسرائیل تأثیر قابل توجهی در تصمیم مدودف داشته است. به طوری که مهم‌ترین دلیل منع عرضه s300 به ایران، تضمین امنیت اسرائیل بوده است. در این دوره قدرت مانور سیاسی - نظامی اسرائیل در منطقه بدلیل حمایت‌های روسیه و آمریکا به طور قابل توجهی افزایش یافته بود (Джаббаринасир, 2020: 55).

ضررهای مالی روسیه در نتیجه قطع همکاری نظامی - فنی با ایران از نظر تعلیق اجرای قراردادهای امضاء شده از قبل و از دست دادن توافق‌های آینده حدود ۱۱ تا ۱۳ میلیارد دلار بود. در حوزه پدافند هوایی (سامانه دفاع هوایی Buk-m2, manpads, s300pmul) با هزینه‌ای در حدود ۲ میلیارد دلار، در حوزه دریایی (زیردریایی دیزلی - برقی پروژه ۶۳۶، کشتی‌های جنگی از نوع zubr, murena) در حدود ۲ تا ۳ میلیارد دلار، در حوزه هوایی (بیش از ۷۰ جنگنده su30mk و mig-29smt، خرید موتور هواپیمای rd-33) به مبلغ بیش از ۳.۴ میلیارد دلار، در حوزه زمینی (خرید تانک BMP-2، T-90s، سیستم‌های توپخانه‌ای و سیستم‌های ضد تانک، تعمیر نوسازی وسایل نقلیه زرهی) به بیش از ۱.۵ میلیارد دلار مهم‌ترین قراردادهای لغو شده در دوره مدودف بوده است (Хетагуров, 2018).

روسیه برای دومین بار بازار اسلحه ایران را از دست داد. اگرچه گرایش‌های غرب - گرایانه مدودف، نقش مهمی در تصویب قطعنامه‌های ۱۹۲۹ و ۱۸۸۷ و تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران داشته، ولی اسرائیل سعی کرد از طریق تبلیغات‌های منفی علیه ایران در روسیه و رایزنی با مقامات آمریکا و روسیه از تقویت توان نظامی - فنی ایران جلوگیری کند. بطوری که در دوره مدودف تمام قراردادهای نظامی - فنی ایران و روسیه بایکوت شد.

با به قدرت رسیدن اوراسیاگرایان در ساختار سیاسی روسیه، ایران از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی آن‌ها برخوردار شد. پوتین در سال ۲۰۰۰ توافق‌نامه گورچنومردین که فروش تسلیحات نظامی را به ایران منع کرده بود، لغو کرد (Ибрагимов, 2019: 899). دستیابی ایران به موشک‌های نسل جدید و سامانه‌های پیشرفته دفاعی نگرانی‌هایی را برای اسرائیل و متحدان راهبردی‌اش بوجود آورد. بطوری‌که مقامات اسرائیلی بارها مسافرت‌های متعددی به روسیه داشتند تا بتوانند مانع از فروش سامانه ضد هوایی S300pmu و تسلیحات دیگر شوند (پرتو، ۱۳۹۲: ۴۵).

اگرچه روابط نظامی ایران و روسیه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ تحت تأثیر روابط آمریکا و روسیه قرار گرفته بود اما پوتین درصدد آن بود که بتواند با استفاده از مهره ایران، از آمریکا و غرب امتیازاتی را بگیرد و از طرف دیگر روسیه درصدد برهم زدن توازن نظامی در منطقه نبود. لذا در همکاری نظامی با ایران ملاحظات امنیتی بازیگران منطقه به‌ویژه اسرائیل را در نظر می‌گرفت.

با روی کار آمدن مجدد پوتین به سمت ریاست جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۲، تحولی در روابط دو کشور ایران و روسیه بوجود آمد. در سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری پوتین، روابط روسیه و ایران تحت تأثیر روابط روسیه و آمریکا قرار گرفته بود. در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ به دلیل قطعنامه ۱۹۲۹ روابط نظامی روسیه و ایران محدود شده بود. (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۰).

با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ و حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران، اکثر محدودیت‌های قبلی اعمال شده توسط شورای امنیت سازمان ملل لغو شد. با این وجود محدودیت‌هایی در زمینه همکاری‌های نظامی و فنی همچنان وجود داشت (ЦАМТО, 2016). بطوری‌که طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تانک‌ها، خودروهای جنگی زرهی، سیستم‌های توپخانه‌ای، هواپیماهای جنگی، هلی‌کوپترهای کشتی‌های جنگی، سامانه‌های موشکی و دفاعی تنها با اجازه شورای امنیت سازمان ملل به ایران داده می‌شود و این محدودیت تا سال ۲۰۲۰ پابرجا خواهد ماند. بطوری‌که جان کری وزیر امور خارجه آمریکا بیان کرد، تحویل s300 روسی به ایران، قوانین بین‌المللی را نقض نمی‌کند (Савицкий, 2016).

با لغو جزئی از تحریم‌های شورای امنیت در سال ۲۰۱۵، ایران دوباره علاقه خود را به هواپیماهای جنگی و کشتی‌ها و سامانه‌های دفاعی نشان داد (Сажин, 2019). بطوری که ایران درخواست جنگنده su-3SM را از روسیه کرد و روسیه این درخواست را به دلیل نارضایتی اسرائیل و بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ رد کرد و جنگنده SU27SMS را به ایران پیشنهاد کرد. همچنین به دلیل فشارهای اسرائیل، روسیه از صادرات سامانه‌های موشکی ضد کشتی BASTION و Yakhont به ایران جلوگیری کرد (Хетагуров, 2018).

در مجموع پوتین در روابط نظامی با ایران ملاحظات امنیتی خود و غرب را در نظر می‌گیرد. روسیه نگران آن است که افزایش قدرت نظامی ایران سبب به حاشیه رفتن جایگاهش در منطقه شود و از سویی با دست یابی ایران به سلاح‌های پیشرفته، توازن نظامی خاورمیانه برهم خورد. لذا پوتین سعی کرده است در چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای خود ضمن همکاری نظامی با ایران، محدودیت‌هایی برای افزایش قدرت نظامی آن بوجود آورد. بطوری که با روی کار آمدن ترامپ و تحریم‌های آمریکا، روابط نظامی - فنی روسیه و ایران محدود شده بود. اسرائیل نیز درصدد آن است که با توسعه همکاری با روسیه بتواند مسکو را از برجام خارج کند بطوری که در خصوص توافق‌نامه برجام بارها دیدارهایی بین مقامات روسی و اسرائیلی صورت گرفته است.

۲-۶. محدودیت‌های اقتصادی

روسیه به دنبال این است که از مهره ایران بتواند از آمریکا امتیازاتی بگیرد. در همین راستا سال ۲۰۱۴، توافق‌نامه بلند مدتی در حوزه تجاری و اقتصادی بین دو کشور ایران و روسیه امضاء شد. آمریکا و اسرائیل در خصوص این توافق بسیار نگران بودند لذا اسرائیل و آمریکا با فشارهای دیپلماتیک علیه روسیه، موانعی را بر اجرای این توافق ایجاد کردند (Долгова, 2015: 79). تاریخ روابط اقتصادی روسیه و ایران نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ روسی در مواقع فشارهای آمریکا و اسرائیل، خاک ایران را ترک کرده‌اند (Мамедова & Паранд, 2017 : 155).

همچنین در حوزه انرژی، روسیه انگیزه‌های خود را در سایه فشارهای اسرائیل و آمریکا قرار داده است. به طوری که روسیه با موافقت و همراهی با تحریم‌ها، ضمن رضایت اسرائیل و آمریکا، مانع از انتقال نفت و گاز ایران به اروپا و آسیای مرکزی و قفقاز شده است. روسیه بر این امر مطلع است که رفع تحریم‌ها سبب می‌گردد که ایران با وارد کردن فناوری‌های جدید، بتواند تولید نفت و گاز را افزایش دهد. اجرای چنین برنامه‌هایی در آینده، تهدیدی جدی برای روسیه محسوب می‌شود. زیرا ممکن است به رقیبی برای روسیه در زمینه ارسال نفت و گاز به بازارهای اروپا، تبدیل شود. از سوی دیگر، آمریکا برنامه‌هایی برای صادرات نفت و گاز به اروپا دارد: Жильцов, 2016: (637). اسرائیل سعی کرده که با رایزنی با مقامات روسیه، بتواند نظر موافقت روسیه با تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت را بگیرد. روسیه با همراهی و موافقت با تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت (۱۶۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹) دشواری‌هایی را برای صادرات و همکاری‌های نفتی ایران بوجود آورد. بطوری که این قطعنامه‌ها باعث تحریم شرکت نفتکش ملی ایران، قراردادهای نفتی، شرکت‌های مرتبط با فعالیت نفتی، صنایع پتروشیمی و... شده است (عزتی و سلمانی، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۵۵).

با خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم‌های شدید بر ایران، همکاری‌ها در حوزه انرژی میان روسیه و ایران را با محدودیت روبه‌رو کرده است. به گونه‌ای که شرکت‌های نفتی روسی مانند شرکت‌های غربی در طرح‌های مشارکتی خود در ایران دست کشیدند. لذا همراهی روسیه با تحریم‌های یکجانبه‌گرایانه در راستای منافع اسرائیل، آمریکا و خود، بوده است. روسیه نیز موانع و نگرانی آمریکا برای اجرای کامل تحریم‌های نفتی ایران را رفع کرده است، بطوری که در کنفرانس سن پترزبورگ به جهانیان تضمین عدم افزایش قیمت نفت بعد از تحریم‌های نفتی ایران را داد (شوری، ۱۳۹۸).

در مجموع، اسرائیل با همراهی روسیه و همکاری آمریکا توانسته است محدودیت‌هایی را برای صادرات نفت و گاز ایران بوجود آورد. روسیه درصدد آن است تا با موافقت با تحریم‌ها، ضمن گرفتن امتیاز از اسرائیل و آمریکا، بتواند سیاست‌های فرصت‌طلبانه خود را در بازار انرژی گسترش دهد. تلاش‌های آمریکا در سال‌های اخیر برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران در بازار جهانی، فرصتی را برای روسیه فراهم

آورد که از طریق کاهش صادرات ایران بتواند سهم خود را در بازارهای ایران افزایش دهد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر درصدد تبیین این است که براساس نظریه موازنه‌قوا، راهبرد روسیه، ایران و اسرائیل برای امنیت و مقابله با تهدید، توازن قوا است. در همین چارچوب، اسرائیل، ایران را تهدید جدی برای منافع و امنیت خود تلقی می‌کند. کاهش نقش ایالات متحده آمریکا در تحولات منطقه بر شدت این نگرانی‌ها افزود. از این رو نقش فرمانطقه‌ای روسیه در تحولات منطقه و جایگاه آن بعنوان عضو دائم شورای امنیت، باعث شد که اسرائیل در جهت موازنه سازی با تهدیدات ایران، همکاری با روسیه را مورد توجه قرار دهد. نقش کاتالیزوری اسرائیل در حل و فصل اختلافات روسیه با آمریکا زمینه تضمین امنیت اسرائیل توسط روسیه را فراهم آورده است. این درحالی است ایران شریک اقتصادی، سیاسی و نظامی روسیه در خاورمیانه است. تهدیدات ناشی از حضور آمریکا و متحدان راهبردی‌اش در خاورمیانه و قفقاز برای روسیه و ایران، باعث قرار گرفتن این دو بازیگر در یک ائتلاف و محور به جهت موازنه‌سازی در برابر محور آمریکا و غرب شده است. با تقویت نقش نظامی و سیاسی ایران در منطقه به موازات آن پیشرفت برنامه هسته-ای و تسلیحاتی نگرانی‌هایی را برای روسیه و اسرائیل بوجود آورد. از یک سو روسیه نگران بهم خوردن توازن منطقه‌ای و به حاشیه رفتن جایگاهش در منطقه خاورمیانه و آسیای میانه و قفقاز است. از سوی دیگر اسرائیل نگران افزایش قدرت ایران و تقویت نقش محور مقاومت در منطقه است. در راستای غلبه بر این نگرانی‌ها، روسیه و اسرائیل با تاکید بر منافع مشترک و امضای توافقنامه‌های جدید، محدودیت و دشواری‌هایی برای منافع ملی ایران در مسئله سوریه، برنامه هسته‌ای و توافقنامه‌های تسلیحاتی و اقتصادی بوجود آورده‌اند.

در واقع مناسبات گسترده روسیه با ایران و اسرائیل و نقش آن‌ها در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی مسکو باعث شده است که روسیه سیاست توازن قوا را بهترین رویکرد در قبال دو بازیگر اتخاذ کند. در راستای رویکرد توازن قوا، روسیه این اعتقاد برای دو

بازیگر ترویج داد که در جهت موازنه سازی در برابر تهدیدات خود نیاز به توسعه روابط با روسیه را دارند. روسیه نیز با اتخاذ راهبرد دوسویه، ضمن رد اتحاد استراتژیک با دو بازیگر، از ظهور هژمونی آنها در منطقه جلوگیری کرده است لذا با ایجاد دشواری برای منافع ملی ایران درصدد ایجاد توازن قدرت در منطقه است. روسیه درصدد آن است از تقابل و تنش ایران و اسرائیل به نفع اهداف و منافع خود در منطقه و نظام بین‌الملل مدیریت کند. لذا روسیه با بهره‌گیری از اسرائیل به دنبال گرفتن امتیاز از آمریکا و غرب است. از یک سو روسیه در بحران سوریه و برنامه هسته‌ای و تسلیحاتی، با ایران همکاری می‌کند و از سوی دیگر در همکاری با ایران ملاحظات امنیتی اسرائیل را رعایت می‌کند. لذا روسیه طوری عمل کرده است که همکاری با ایران به معنی دوری از متحد تاکتیکی خود اسرائیل نیست. با توجه هژمون‌گرایی و تقابل ایران و اسرائیل، روسیه استقلال عمل آنها را در منطقه محدود کرده است.

منابع

- احمدی، حمید و درآینده، روح‌الله (۱۳۹۷)، «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران»، **مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۶۹-۹۵.
- برچیل، اسکات و دیگران (۱۳۹۱)، **نظریه‌های روابط بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران، نشر میزان.
- بی‌نام (۱۳۸۰)، «نقطه‌نظرهای پیرامون خروج از موافقتنامه گورچرنومردین»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، صص ۲۵۷-۳۳۶.
- پرتو، امین (۱۳۹۲)، «همکاری‌های نظامی روسیه-اسرائیل و موانع فرارو»، **دوماهنامه ایران**، شماره ۴۲، صص ۵۲-۴۰.
- تابناک (۱۷/۱۲/۱۳۹۷)، «درگیری میان نیروهای تحت حمایت ایران و روسیه در سوریه»، **تاریخ اس**، تخریج: ۱۲/۰۵/۱۳۹۸.

<https://www.tabnak.ir/fa/news/883947>

تخشید، محمدرضا و شجاع، مرتضی (۱۳۹۷)، «کاوشی در مداخله روسیه در بحران سوریه از منظر ژئوپلیتیک»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۳۰۵-۳۲۰.

جعفری، علی اکبر و میرجلالی، رویا (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران»، *علوم سیاسی*، شماره ۵۱، صص ۱-۳۵. چگنی زاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، «موازنه قوا و روابط راهبردی چین با ایالات متحده آمریکا»، *روابط خارجی*، دوره ۵، شماره ۴، صص ۲۶۳-۲۲۷.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مرادی، منوچهر (۱۳۹۴)، «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران-فدراسیون روسیه»، *آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۲۱، شماره ۸۹، صص ۶۵-۹۱.

رستمی، فرزاد و پورقمان، کاظم (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر مناسبات رژیم صهیونیستی و روسیه در بحران سوریه در پرتو معمای امنیت»، *سیاست دفاعی*، دوره ۲۷، شماره ۱۰۷، صص ۵۳-۵۸.

رومی، فرشاد (۱۳۹۶)، «چشم اندازی بر راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در دوره پوتین»، *سیاست دفاعی*، دوره ۲۵، شماره ۱۰۰، صص ۷۳-۳۹. رومی، فرشاد و نوروزی، نورمحمد (۱۳۹۳)، «چشم اندازی روسی به روابط ایران و روسیه (۱۳۹۲-۱۳۸۴)»، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۷.

سیمبر، رضا و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۶)، «تحولات نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و تنوع جدید موازنه قوا»، *سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۵۱-۳۳.

شریعتی نیا، محسن و میرعمادی، طاهره (۱۳۹۴)، «تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با روسیه، هند و چین»، *روابط خارجی*، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۰۱.

شوری، محمد (۱۳۹۸/۰۴/۰۵)، «روابط ایران و روسیه، شاخصه‌هایی برای آینده‌نگری». تاریخ استخراج: ۱۱/۱۲/۱۳۹۸ <https://tisri.org/?id=do0haznp>

عزتی، عزت‌الله و سرور، رحیم و خسرو، صادق (۱۳۹۷)، «تأثیر همکاری‌های نظامی ایران و روسیه بر تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایران»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۷۶-۸۹.

عزتی، مرتضی و سلمانی، یونس (۱۳۹۳)، «بررسی آثار مستقیم و غیر مستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد»، آفاق امنیت، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۴۹-۱۷۵.

عزیزی، حمیدرضا و نجفی، مصطفی (۱۳۹۷)، «آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۲، صص ۹۷-۶۷.
 کولایی، الهه و زرگری، هادی (۱۳۹۷)، «عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران، از نیروگاه بوشهر تا برجام»، تحقیقات سیاسی بین‌الملل، شماره ۳۵، صص ۶۰-۳۱.

گریفیتس، مارتین (۱۳۹۱)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

مارژتسکی، سرگئی (۲۸/۱۰/۱۳۹۸)، «خطرات و منافع ورود ایران به دریای مدیترانه»، تاریخ استخراج: ۱۹/۱۲/۱۳۹۸ www.iras.ir

مبید، سامی (۲۲/۰۱/۱۳۹۸)، «پایگاه ایران در ۳۰۰ کیلومتری سواحل فلسطین اشغال»، تاریخ استخراج: ۲۲/۰۹/۱۳۹۸ <http://mail.irdiplomacy.ir/fa/news/1982657>

متقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی»، راهبرد، دوره ۲۲، شماره ۶۷، صص ۱۹۲-۱۶۵.

مختاری، حسین (۱۳۹۴)، «تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر عوامل قدرت؛ با تأکید بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر علیه ج.ا.ایران»، ژئوپلیتیک، شماره ۲ مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷)، مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی. تهران: سمت.

مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۳۱.

ممدوف، روسلان (۱۳۹۸/۰۲/۱۲)، «سود روسیه از تحریم‌های ایران در عراق»، تاریخ استخراج: ۱۳۹۸/۰۸/۱۲،

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1983177>

نیاکوئی، سیدامیر و صفری، عسگری (۱۳۹۷)، «الگوی رفتاری روسیه در نظام بین‌الملل: تلاش برای دستیابی موازنه قوا مطلوب (۲۰۱۴-۲۰۱۸)»، آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۰۳، صص ۱۰۱-۱۲۹.

والترز، کنت (۱۳۸۲)، واقع‌گرایی ساختاری پس از جنگ سرد، تهران، ابرار معاصر. وفایی فرد، فرهاد و طالبی آرائی، روح‌الله (۱۳۹۸)، «آینده روابط ایران و روسیه بر سر سوریه (همکاری یا منازعه)»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۴، صص ۹۳-۱۱۸.

- Averbukh, Lidia & Klein, Margaret (2018), "Russia-Israel relationship transformed by Syria conflict", *stiftung wissen schaft and politik*, (37), pp.1-8.
- Griffiths, M (1992), "Realism, Idealism and international politics", **newyork and London, routledge**.
- Hatahet, Sinan (2019), "Russia and Iran: economic influence in Syria", **The Royal Institute of international affairs**, pp. 1-20.
- Matreer, Igor (2019), "How Russia plans to takpartin building Syria's, It sector" *Al-monitor*: [www. Al-monitor.com/puls/originals/2019/06](http://www.Al-monitor.com/puls/originals/2019/06).
- Moshkova. T.P (2018), "Russion-Israeli relation: The role of the Russion-speaking community of the state of Israel, *Vestnik RUDN*". **International Relations**, 18(18), pp. 387-399.
- Murciano, Gil (2017), "Israel vis-a-vis iran in Syria: The perils of Active containment", **German Institue for international and security Affairs**.
- Orlov, V & Timerbaev, R & Khlopkov, A (2002), "Nuclear Nonproliferation in U.S.-Russian Relations: Challenges and Opportunities", Moscow: PIR Center.
- Razoux, P (2008), "The key under standing the Israel-Russia relationship", **research division-Nato defense college**, (42), pp. 1-8.
- Sheehan, Michael (2005), "The balance of power, history and theory", **newyork and London, routledge**.
- Waltz, K (1979), **Theory of international politics**, Addison-Wesley.
- Бочаров, Ю.Б (2013), "Концептуальный анализ современной фазы развития взаимоотношений между Россией и Израилем", **Статистика и экономика**, (1), 25-30.
- Бармин, Юрий. (2018), "Россия и Израиль: ближневосточное измерение отношений", **Российский совет по международным делам**, (42), 1-4.

- Вахшитех Ахмад Насер (2019). “Россия и Иран в сирийском урегулировании: стратегическое партнерство или тактический союз?” **Власть**, (1), 279-287.
- Долгова, Дарья Александровна (2015), “Иран между Россией и США, **Актуальные проблемы современных международных отношений**, (6), 75-81.
- Джаббаринасир, Хасан Реза (2020). “Иран и израиль Во Внешней политике россии: огран и чения на пути сотрудин и чества. **Сравнительная политика**, 11 (1), 44-64.
- Екатерина, Сергеевна Верещагина (2003), “Еврейские некоммерческие общественные организации в России и на Дальнем Востоке конец XX — начало XXI В., **Россия и АТР**, 3(41), 91-95
- Елишев, Сергей Олегович (2013), “Молодежная политика организаций иудаизма в Российской Федерации. Вестник Московского университета, Серия 18. **Социология и политология**, (3), 168-180.
- Жильцов, Сергей Сергеевич (2016), “Сотрудничество России и Ирана в Каспийском регионе: итоги и перспективы. **Вестник Российского университета дружбы народов. Серия: Международные отношения**, (4), 628-642.
- Ивашенцов, Г. (2005). “ Россия - Иран. Горизонты партнерства. **Россия и мусульманский мир**, (1), 111-117
- Козюлин Вадим,(2001), “Россия – Иран: что стоит за новым стартом военно-технического сотрудничества?” **Вопросы безопасности**, 5(95),1-9
- Мамедова Нина & Фархад Паранд,(2017), “Торгово-экономические отношения между Россией и Ираном: достижения и возможности, **Российский совет по международным делам**. (29),150-163.
- Марьясис, Дмитрий Александрович (2017). “Перспективы развития российско-израильских торгово-экономических отношений. **Международная торговля и торговая политика**, 2(10), 125-135
- Мирван, И (2011), “Иран и россия. **Россия и мусульманский мир**”, (6), 104-108.
- РИАНовости, (2019), “**Межгосударственные отношения России и Израиля**”, 27 февраля- www.ria.ru/20190227/1551369085.html
- Сажин Владими,(2019), “ **Военное и военно-техническое сотрудничество России и: Ирана вчера**”, сегодня и завтра <https://interaffairs.ru/news/show/22161>
- Савицкий Вадим,(2016), “**Военно-техническое сотрудничество Ирана и России**”. Досье <https://tass.ru/info/1707163>
- Тасс,(2016) “**Российско-израильские отношения. Досье - Биографии и справки** www.tass.ru/info/4911115.html
- Трушин, Михаил Сергеевич (2019). “Международное положение ирана и интересы россии. **Контентус**, 3(80), 73-86
- Федорченко, Андрей Васильевич (2016), “«Русский» Израиль» и Россия. **Вестник МГИМО Университета**, 2 (47), 245-250.

Хетагуров Артур,(2018), “Перспективные сегменты закупок российской военной техники Ираном: **авиация и ПВО**”
<https://russiancouncil.ru/analytics-and-comments>

ЦАМТО, “Иран-Россия: **оценка военно-технического сотрудничества двух стран за период с 1990 года по настоящее время**”
<https://armstrade.org/includes/periodics/news/2016/0216/105533562/detail.shtml>

Чекушкин, А. Н. (2006). “Ядерная программа России и Ирана: проблемы и перспективы сотрудничества. **Гуманитарий: актуальные проблемы гуманитарной науки и образования**, (6), 66-68.

Эпштейн, А.Д. и Сулейманов. Р.Р. (2008), “**История и исторграфия российско-израильских отношений**” Екатеринбург издательство уральского университе.

۱۰۴



سیاست جهانی

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دهم، شماره چهارم زمستان ۱۴۰۰، پیاپی ۳۸